



Photo © Musées de la Ville de Paris-SPADEM, 1985

آدل در ۱۹۱۵ می‌میرد. مجموعهٔ سخنرانیها و نامه‌های سرگشادهٔ هوگو تحت عنوان «گفتارها و کردارها» و به دنبال آن «سال وحشت» منتشر می‌شوند. در ماه مه مردم رم خطاب به مردم فرانسه نامه‌ای به ویکتور هوگو می‌نویسند و هوگو نیز در مقابل «پاسخ به رومیان» را می‌نکارد. همچنین نامه‌هایی برای رئیس انجمن مدارس غیرمذهبی و سردبیر نشریهٔ «آیندهٔ زنان» می‌نویسد و آنان را به کاری که در پیش دارند تشویق می‌کند. نامه‌ای نیز تحت عنوان «آیندهٔ اروپا» به کنگرهٔ صلح در لوگانو می‌فرستد. هوگو به گرنزی بازمی‌گردد و نوشتن رمان جدیدی به نام «نود و سه» را آغاز می‌کند.

**۱۸۷۳** هوگو که هنوز در گرنزی بسر می‌برد با بلانش لانون، دختری که برای ژولیت کار می‌کند، روابط دوستانه‌ای پیدا می‌کند. این آخرین ماجرای بزرگ عشقی اوست که سالها نیز دوام می‌یابد. هوگو به سرودن شعر ادامه می‌دهد، نسخهٔ اول رمان خویش را کامل می‌کند و پس از گذراندن حدود یک‌سال در جزیره به فرانسه بازمی‌گردد. در ماه دسامبر پسرش فرانسوا - ویکتور می‌میرد.

زنی برهنه با لاف‌های بر تن و کلاه‌بری بر سر؛ طرحی از ویکتور هوگو.

**۱۸۷۱** در ماه ژانویه فرانسه و آلمان پیمان آتش‌بس امضا می‌کنند و در ماه فوریه انتخابات مجلس مقننه برگزار می‌شود. هوگو به عضویت مجمع ملی انتخاب می‌شود و بلافاصله به بورژوازی می‌رود تا در آن مجمع شرکت کند. سه هفته بعد به هنگام یک سخنرانی در دفاع از انتخاب کاریبالدی، آنچنان مورد حمله قرار می‌گیرد که مجبور به استعفا می‌شود. مرگ ناگهانی پسرش شارل او را مجبور به بازگشت به پاریس می‌کند و این درست همان روزی است که کمون پاریس ایجاد می‌شود. هوگو به منظور انجام امور مربوط به پسرش به بروکسل می‌رود. وحشت هوگو از اینکه «کمونارها» (هوا-داران کمون) مورد انتقامجوییهای شدید قرار گیرند او را وامی‌دارد که به تبعیدیهای کمون پناه دهد. به همین خاطر شبانه در خانه‌اش مورد حمله قرار می‌گیرد و از منطقهٔ بلژیک اخراج می‌گردد. هوگو و ملازمانش به لوگزامبورگ پناه می‌برند و سپس در ویاندن مستقر می‌شوند. اشعار «سال وحشت» از لحاظ تعداد افزایش می‌یابد. در اواخر سپتامبر پس از اینکه هوگو از محکومیت هانری دو روشفور آگاه می‌شود یا شتاب به پاریس بازمی‌گردد تا از او و سایر کمونارها دفاع کند.

**۱۸۷۳** آدل، دختر هوگو، تعادل روانی خویش را از دست می‌دهد و او را به پاریس می‌آورند تا در یک بیمارستان روانی بستری شود.

## در خانهٔ ویکتور هوگو

نوشتهٔ روبن داریو

من اخیراً از موزهٔ ویکتور هوگو دیدار کردم و هدفم از این دیدار این بود که ببینم آیا این معبد اصالت حال و هوای هوگو را در خود دارد یا نه. موزهٔ هوگو در خانه‌ای واقع در «پلاس د ووز» پاریس قرار دارد که مردان بزرگی در آنجا زیسته‌اند. همه می‌دانند که این موزه عمدتاً محصول احترام، عشق و ستایش نامیرای پل موریس، دوست و مرید هوگو، نسبت به او بوده و او این کار طاقت‌فرسا را با قلبی سرشار از شور و عشق به پایان برده است. پرداختن به جزئیات این کار خسته‌کننده تا آنجا پیش رفت که عده‌ای او را به‌خاطر نمایش مثلاً «دندان آسیایی» که ویکتور هوگو در فلان تاریخ کشید» مورد انتقاد قرار دادند. البته من به‌سهم خود هنوز چنین دندان معروفی را ندیده‌ام. در راهروی مدخل موزه مجسمهٔ نیم‌تنه‌ای از هوگو قرار دارد. سراسر مسیر پلکان را تصویرهایی پوشانده که نشان‌دهندهٔ صحنه‌هایی

لکه‌های روتوش شدهٔ جوهر در لای کاغذ تاه شده، اثر هوگو در ۱۸۵۰. لکه‌های متقارن ناشی از تاه‌شدن کاغذ بعداً به نحوی خلاق با قلم روتوش شده است. نیم‌تنه‌ای در وسط و دو نیم‌رخ در بالا به چشم می‌خورند. هوگو «هنر لکه‌های جوهری» را قبل از تبعید شدن به‌کار می‌برد و در سراسر دوران تبعید نیز بدان ادامه داد.

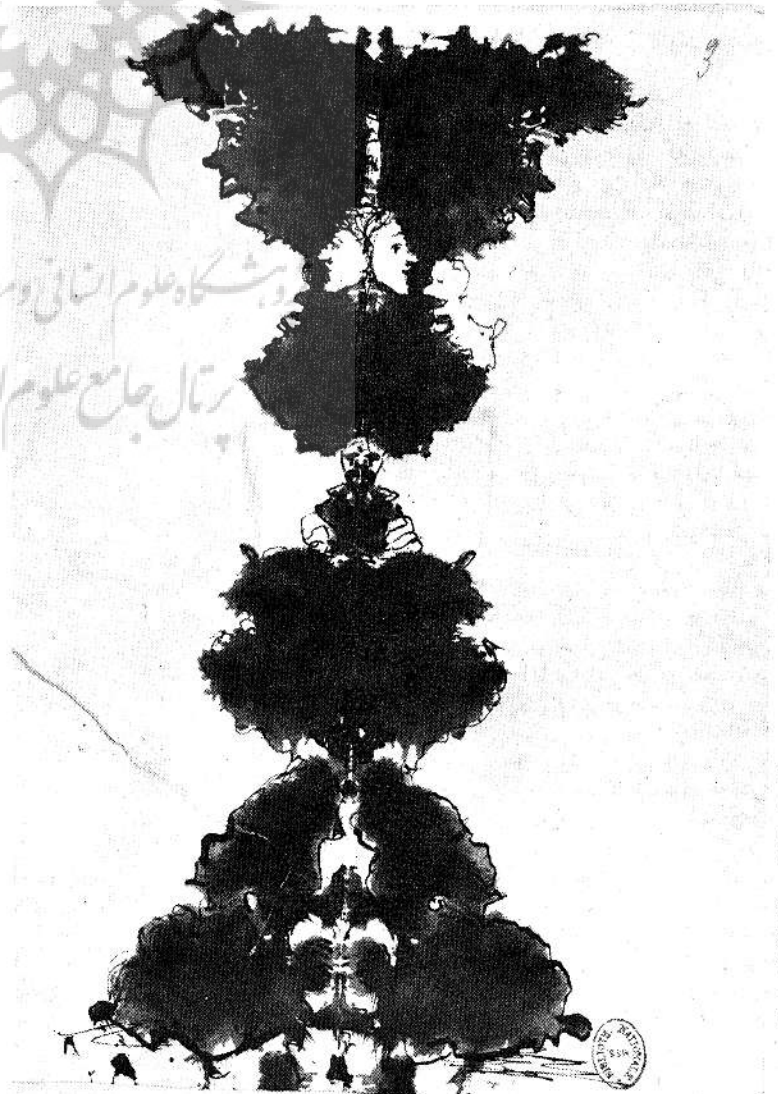


Photo © Bibliothèque Nationale, Département des manuscrits, Paris.



از نمایشنامه‌ها، اشعار و داستانه‌ها و همچنین زندگی‌نامه‌ها، کمی آن طرف‌تر تعداد زیادی طرح از روشه گروس، بولانژه، ژ.پ. لورنز و دیگران و عکسها، کاریکاتورها و انواع تصاویر مربوط به هوگو وجود دارد که از اولین روزهای زندگی و دوران کودکی گرفته تا بستر مرگ در آنها نمایان است. عکسهای نیز پس از مرگ در زیر نورهای سردخانه، از سر هوگو به توسط نادار گرفته و به توسط بونات نقاشی شده‌اند. ویرینهایی نیز وجود دارند با اشیاء معمولی؛ مانند لباس دانشگاهی، لباس یک نجیبزاده فرانسه، کلامو عصای زیبایی که روی جعبه آن این جمله حک شده است: «از بنیتو خوارس» به ویکتور هوگو شهبیر.

مدالها و پرهای غاز و نامه‌هایی به هوگو با امضای شخصیت‌های مهم در این موزه نگه‌داری می‌شوند. تکه‌ای «فان دوران محاصره پاریس» و چهار تکه مو در یک جعبه که ظاهراً بیانگر دوره‌های گوناگون عمر اوست.

موهای بوز متعلق به دوران تحصیل هوگو در «کالج نجیبزادگان» در مادرید؛ موهای طلایی «پسر طلایی» پاریس؛ موهای نسبتاً تیره‌تر نویسنده «آرفانی»، پیشکام جوان و پرشور رمانتیسیم؛ موهای خاکستری مبارزه‌نماینده پر شور مجلس و انگیزنده حرکتهای سیاسی؛ موهای خاکستری «سال وحشت» و «کیفرها»؛ موهای نقره‌ای گرنزی و «هنر پدر بزرگ بودن»؛ و موهای سفید و احترام‌انگیز قطب اعظم دنیای تفزل و بزرگ خاندان متفکران که مرگش جهان را تکان داد

۱. سیاستمدار و آزادیخواه مکزیکی که در ۱۸۶۲ به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب شد. - م.

و سراسر پاریس در باشکوهترین مراسم تشییع - در میدان تریومف - در سوگ او به پا خاست. روی میزی کوچک چهار قلم پر ودوات متعلق به لامارتین، دوامی پدر، ژرژساند و خود صاحبخانه وجود دارد. هوگو به ساختن اشیاء عجیب علاقه زیادی داشت و مدتها قبل از اینکه برآوردن گونکور مدل شرقی را باب کنند، هوگو به ساختن اشیاء «چینی» و «ژاپنی» پرداخته بود. طاقچه گچبری شده‌ای در این موزه هست که توسط هوگو به شیوه‌ای شرقی تزئین یافته و چند قاب نیز ماهراغه و به سبکی شکل به توسط او رنگامیزی و مطلقاً گشته است.

صحنه‌های ماندارینسی و چینی عجیب، حیوانات غریب، ازدهای مهاجم، موجودات خنده‌آور «امپراتوری آسمانی»، گل‌های گمیاب، میزهای بازی تزئین شده با خطوط و نقوشی که بعضی از آنها به سبکی رنگارنگ و ابداعی درست شده‌اند، همگی در این موزه به چشم می‌خورند. نقاشی‌ها و تکچهره‌ها و باز هم نقاشی‌ها و تکچهره‌ها. اما آنچه بیش از همه توجه را به خود جلب می‌کند طرحهای خود هوگو است. هنگامی که یک شاعر-متفکر کتابی می‌نویسد که ارزش واقعی خلایق گرافیک بهترین شاعر فرانسوی را باز می‌تابد، اثر عمیق و مهمی به گنجینه کتابخانه‌ها اضافه می‌شود.

زیرا همین طرحها، و در واقع هوگوی نقاش است که شخصیت فوق‌العاده هوگوی شاعر و پیشگو را کامل می‌کند. تنها در آثار تفریحی بلیک و بعضی از آثار پیرانزی می‌توان غنای تخیل، رمز و راز، ابدیت و رمانتیسیم متعالی

۱. امپراتوری چین. - م.

این اتاق ناهارخوری چینی توسط هوگو برای خانه زولیت درون واقع در گرنزی، که تزئینات آن با نظارت هوگو صورت گرفت، طراحی و ابداع شده است. پانلهای آن که از چوب نوعی کاج ساخته شده بود، توسط هوگو نقاشی و تزئین شد. این همان دکوری است که قبل از سال بزرگ خانه پلاسی دو وزت پاریس، که هوگو از ۱۸۳۳ تا ۱۸۴۸ در آن زیست، وجود داشت. در ۱۹۰۴ در پی تلاش پل موریس (۱۸۳۰ - ۱۹۰۵)، دوست نزدیک هوگو، این خانه به صورت موزه آثار و احوال هوگو درآمد.

موجود در طرحهای هوگو را سراغ گرفت. ویرانه‌ها، کاخهای رؤیایی، بناهای شرقی و شکفت‌انگیز برگرفته از «هزار و یک شب»، بناهای غریب و نمادین همچون اهرام، آسمانهای محضت‌بار، مهتابهای غیرطبیعی، وحشت‌های شبانه، نگریمهای آینده، دنیاهایی از تخیل، کابوس، وحشت، طرحهای غریب، ارابسک، و چهره پنهان هنر تماماً در طرحهای این مسرد بزرگ موجودند. نمای وسیع، پرفقش و تفکار و کلیسا وار آثار ادبی هوگو مانع از این می‌شود که ما به طرحهای پسر پیچ و خمی که در لحظات فراغت از قلم هوگو آفریده شده‌اند توجه کنیم. هوگو در ایجاد این طرحهای گرا و عجیب از هر آنچه به دستش می‌افتاد استفاده می‌کرد: زغال، قهوه، قهوه آغشته به شیر و دوده فیتله سوخته.

## زندگی و زمان

شعری هوگو افزایش می‌یابد. ۱۸۷۵ هوگو طی نامه‌ای به انجمن بهبود موقعیت زنان متذکر می‌شود که «نیمی از بشر در حوزه‌های نابرابر قرار دارند و می‌بایست به جمع دیگران بپیوندند». هوگو برای یک هفته به گرنزی بازمی‌گردد تا یادداشتها و دست‌نوشتهای خود را که در آنجا باقی مانده بود جمع کند. اولین جلد «گفتارها و کردارها» تحت عنوان «قبل از تبعید» و دومین جلد آن تحت عنوان «در تبعید» منتشر می‌شود. نامه‌ای از سوی هوگو به کنگره صلح ارسال می‌گردد.

۱۸۷۶ هوگو به عنوان سناتور انتخاب می‌شود و برای عفو عمومی کمونارها دست به کار می‌شود. در نمایشگاه فیلاولفیا سخنرانی می‌کند. آخرین بخش «گفتارها و کردارها» تحت عنوان «بعد از تبعید» منتشر می‌شود. هوگو تحت عنوان «خطاب به سرستان» ترکها را به خاطر قتل‌عامی که انجام داده‌اند سخت انتقاد می‌کند. نامه دیگری به کنگره صلح در ژنو ارسال می‌شود. اپرای پونجیلی تحت عنوان «لاچو کوندا» که براساس «آنژلو» اثر هوگو تنظیم شده‌است، اول بار در میلان روی صحنه می‌رود.

۱۸۷۷ سری جدیدی از «افسانه قرون» منتشر می‌شود. بیوه شارل با ادوارد لوکروی ازدواج می‌کند، اما هوگو نوه‌های خویش را نزد خود نگه می‌دارد. «هنر پدر بزرگ بودن» منتشر می‌شود و به ژرژ و ژان تقدیم می‌گردد. هوگو به سراغ «ماجرای یک جنایت»، که از زمان اولین تبعید خود آن را کنار گذاشته بود، می‌رود و جلد اول آن را منتشر می‌کند. نامه‌ای به مناسبت مراسم سالگرد تولد منتانا می‌نویسد. ۱۸۷۸ جلد دوم «ماجرای یک جنایت» منتشر می‌شود. انتشار «پاپ» نیز در این سال



۱۸۷۶ رمان «نود و سه» منتشر می‌شود. «پسران من» به پایان می‌رسد و منتشر می‌گردد. هوگو نامه‌ای به مناسبت پانصدمین سالگرد پترارک و نامه‌ای نیز به کنگره صلح در ژنو می‌نویسد. همچنین نامه‌هایی از سوی هوگو برای دمکراتهای ایتالیا ارسال می‌گردد. آفرینش

«توتو بر پیستا پیروز می‌شود»، طرحی از هوگو در ۱۸۳۳. توتو نام خودمانی فرانسوا - ویکتور، پسر بزرگ هوگو، بود که در سال ۱۸۴۸ به دنیا آمد.





صورت می‌گیرد. هوگو به مناسبت صدمین سالگرد تولد ولتر سخنرانی می‌کند. هوگو در کنفرانس بین‌المللی ادبی حضور می‌یابد، نطق افتتاحیه را انجام می‌دهد و پیشنهادهایی درباره مالکیت ادبی ارائه می‌کند. در اواخر ماه ژوئن هوگو دچار خونریزی شدید مغزی می‌شود و همین‌امر خلاقیت او را عملاً نابود می‌کند. هوگو چهار ماه همراه با خانواده‌اش در گرنزی به استراحت می‌پردازد.

**۱۸۷۹** «والا ترین همدردی» انتشار می‌یابد. هوگو به نفع کمونارها به فعالیت ادامه می‌دهد و همین‌امر موجب بخشودگی عده‌ای از آنان می‌گردد. در ماه مه هوگو ریاست مراسم مربوط به الغای برده‌داری را برعهده می‌گیرد و نطقی درباره آفریقا ایراد می‌کند. به ویکیه می‌رود و بر گور لئوپولدین و همسرش تأمل می‌کند.

**۱۸۸۰** کتاب «مذهبها و مذهب» منتشر می‌گردد. هوگو به مناسبت صدمین سالگرد مرگ کاموش نطقی ایراد می‌کند. نطق دیگری در سنا در دفاع از عفو عمومی ایراد می‌کند که سرانجام به نتیجه می‌رسد. در ماه اوت ریاست مراسم انجمن تعلیم و تربیت ابتدایی را برعهده می‌گیرد و در این زمینه نطقی ایراد می‌کند که طی آن بخصوص از مدارس غیر مذهبی به دفاع می‌پردازد. شعر «الاغ» انتشار می‌یابد.

طرح الاغ، به قلم هوگو، که نویسنده بر بالای آن نوشته است: «آری! آیا واقعا بعد از مرگ چه خواهد شد؟». هوگو در شعر ۴۰۰۰ بیتی «الاغ» (۱۸۸۰) فلسفه و علم را زیر ذره‌بین می‌برد.

ah ca! de adement 33  
 que se passe-t-il apres  
 la mort?

